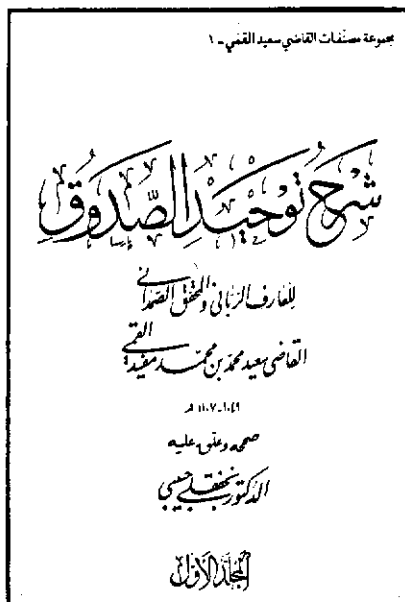


## منزلت فلسفی

## قاضی سعید قمی

محسن کدیور

قاضی سعید قمی، محدث بن مفید؛ شرح توحید الصدوق، المجلد الاول، تصحیح و تعلیق دکتر نجفقلی حبیبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳؛ (مجموعه مصنفات القاضی سعید قمی، ۱) ۸۷۷ ص.



گذشتگان آن سه طریق را در یک منظومه منسجم ذوب می کند و با دید وحدت بین خود از آنها بزرگراه واحدی می سازد که عارف و حکیم و مستشرق هر سه سالک اسفار اربعه می گردند. نگرش حکیمان مدرسه صدر را به آیات و روایات، دیگر نه نگاه عرضی و تفتنی است، بلکه رویکردی است به مقوم ذات حکمت. دست نیازی است به منبعی اصیل که در مراحل جز با آن امکان معرفت و وصول نیست. آیات و روایات خبر از بطونی می دهند که وراى طور عقل است و حاکی از عوالمی هستند که سالک طریق کشف و شهود و اشراق با الهام از آنها قوتی جدید یافته به فیض عرشى دست یافته است. لذا تدبر و تعمق در معانی ژرف آیات قرآن و غرر احادیث پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیت عصمت، در حکمت متعالیه عین حکمت است.

۱. ر. ک: مقاله «اندیشه های جدید و ارزش تفکر فلسفی صدر المتألهین»، به قلم نگارنده، کیهان اندیشه، شماره ۵۰، مهر-آبان ۱۳۷۲، ص ۸۶-۱۰۳.

برخی بر این باورند که معرفت و وصول به حقیقت از سه طریق میسر است: اول، وحی و ظواهر شرع، دوم عقل و استدلال، سوم کشف و شهود. سخن در مقایسه این سه طریق با یکدیگر و امکان اکتفا به هر یک و بی نیازی از طرق دیگر و نیز وجه برتری هر یک بر دیگری و یافتن بهتسرین طریق، به اطناب می گراید و مجال دیگری می طلبد. حکیمان و عارفان مسلمان از قرن سوم سودای تأیید متقابل این طرق و وجه نیاز به هر سه و ذومراتب دانستن طرق معرفت و وصول به حقیقت را در سر پرورنده اند. کوششهای کندی، فارابی، ابن سینا، سهروردی، محی الدین، ابن ترکه، غزالی و ابن رشد در این راه یادکردنی است. اما بی شک در سازگاری قرآن و برهان و عرفان یا وحی و عقل و دل یا کلام و فلسفه و عرفان، حکمت متعالیه صدر المتألهین شیرازی یک نقطه عطف است. ۱. صدر المتألهین با سودجستن از تجربه برابر

مؤسس این طریقی، مدعی است که با ابتکار عظیم خود به وادی تأمل در آیات الهی و روایات نبوی و ولوی دست یافته است. لذایی بها نیست اگر گفته شود که حکیمان مدرسه حکمت متعالیه قبل از آنکه فیلسوف و صوفی باشند، مفسر و محدثند و عمری را در دریافت معانی بلند قرآن کریم و مفاهیم والای نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و اصول کافی و توحید صدوق صرف کرده اند و با به جا نهادن آثاری گرانبها در تفسیر قرآن و روایات معصومین، سهم وافری را در تفسیر متون دینی به خود اختصاص داده اند.

ویژگی تفسیر متون دینی در مدرسه حکمت متعالیه، نگاه به آیات و روایات از موضعی فراتر از افق دید عامه است. برداشتی است عمیقتر از توضیحات لغوی و ادبی و اکتفا به ظواهر الفاظ یا بسنده کردن به مبانی رایج کلامی و با استعانت از تأویلهای حکمی و عرفانی، کوششی است برای دستیابی به گوهر معانی عمیق در ورای حجاب لفظ. مخاطبان این تفاسیر، توده مردم نیستند، بلکه فرهیختگان و برگزیدگان ایشانند. آیات و روایات مآدبه ای است که برای هر ذائقه ای در هر مرتبه غذایی مناسب دارد. مفسران آیات و روایات، پیش از آن کمتر به نیاز روحی و علمی عالمان عنایت کرده بودند و متون دینی را یکسره در حد فهم عوام تنزل داده بودند و معنای آنها را در همان ظواهر منحصر کرده بودند. حکیمان این مدرسه، ضمن اذعان به ظواهر شرع انور و التزام عملی به آنها، در وادی نظر مستوایی بالاتر را اراده کرده اند. از تفاسیر متون دینی در مدرسه حکمت متعالیه این متون منتشر شده و قابل عنایت است:

- ۱- تفسیر القرآن الکریم، صدر المتألهین شیرازی ۲- شرح اصول الکافی، صدر المتألهین شیرازی ۳- الوافی، ملا محسن فیض کاشانی ۴- علم الیقین فیض کاشانی ۵- شرح توحید الصدوق، قاضی سعید قمی ۶- تعلیقه های مختصر علامه طباطبایی بر بحار الانوار و اصول کافی ۷- رسائل التوحیدیه علامه طباطبایی ۸- المیزان فی تفسیر القرآن علامه طباطبایی ۹- تعلیقه های علامه شعرانی بر وافی و بر شرح ملا صالح مازندرانی بر اصول و روضه کافی ۵

ارزش هر تفسیر در گرو توانایی علمی مفسر در حکمت و عرفان و دین است. تفاسیر روایی یا قرآنی صدر المتألهین همانند کتب حکمت و عرفانش مشحون از ابتکارات و تقریرات تازه است. فیض یک مقرر خوب مبانی استاد است و در حکمت رأیی تازه ارائه نکرده، هر چند در عرفان قویتر از فلسفه و در زمینه آیات و روایات مسلط و متبّع است. قاضی سعید قمی در

حکمت و عرفان و متون دینی در درجه ای فراتر از استاد خود فیض قرار دارد و به میزان او به مبانی حکمت متعالیه ایمان نیارده است. در قاضی سعید نیز بعد عرفانی از بعد فلسفی اقوی است.



قاضی سعید محمد بن محمد مفید قمی (۱۱۰۷-۱۰۴۹) از علمای عصر صفوی است که در جوانی بر فنون طب و حکمت و فقه دست یافت. مدتی طبیب رسمی دربار، و دو دوره قاضی قم بوده و از این رو به لقب قاضی ملقب شد. در فاصله دو دوره قضاوت، مدتی را در حبس و تبعید گذراند و آثار خود را در قم و اصفهان تألیف کرده است. دغدغه اصلی قاضی سعید حل مشکلات اخبار و تطبیق شریعت و عرفان و حکمت است. مدفن او قم، در حوالی حرم حضرت معصومه (س) است.<sup>۷</sup>

قاضی سعید طب را از پدرش آموخت، حکمت را از مولی رجعلی تبریزی (م ۱۰۸۰) در اصفهان و علوم دینی و عرفان را از ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) فرا گرفت. اینکه آیا قاضی سعید نزد ملا عبدالرزاق لاهیجی (م ۱۰۵۱) حکمة الاشراف

۲. صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجهی، مقدمه محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶، چاپ دوم (۷ جلد).
۳. این تعلیقه های مختصر اما ارزشمند در ذیل بحار و کافی چاپ تهران مندرج است. ز. ک: مقاله عقل و دین از نگاه محدث و حکیم به قلم نگارنده، کیهان اندیشه، شماره ۴۴، مهر-آبان ۱۳۷۱، ص ۱۴-۳۷.
۴. الطباطبایی، السید محمد حسین؛ رسائل التوحیدیه، قم، بنیاد علمی فکری استاد علامه طباطبایی، [بپی تا] شامل هفت رساله: التوحید، الاسماء، الافعال، الوسائط، الانسان قبل الدنيا، الانسان بعد الدنيا.
۵. تعلیقه های علامه شعرانی در طبع ۱۳۸۲ ق تهران، شرح مولی صالح مازندرانی چاپ شده است. اما تعلیقه های ایشان بر وافی به طور گزینشی و نه کامل در طبع وافی اصفهان، ۱۴۰۶ ق منتشر شده، امید آنکه تعلیقه های ارزشمند ایشان بر وافی مستقلاً و کامل به چاپ برسد.
۶. افزون از مصادر ترجمه قاضی سعید که دکتر حبیبی در صفحه اول جلد اول شرح عقاید الصدوق قاضی سعید آورده است، رجوع کنید به: کرین، هانری؛ تاریخ فلسفه اسلامی، جلد دوم، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵-۱۶۷.
۷. مدفن قاضی سعید در کنار مدفن حکیم هیدجی، در چند متری مدفن ابن بابویه جنب مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی روبروی پارک سوم خرداد قم واقع است.

۵- ماهیت مجعول اوّل و بالذات و وجود مجعول ثانی و بالعرض است. علیت و تأثیر و معلولیت و تأثیر در سنخ ماهیات است نه در وجود<sup>۱۷</sup>.

۶- وجود ذهنی باطل است. علم نفس به حقایق خارجیّه به اعیانشان است نه به صورشان. محسوسات جزئیّه به توسط آلت و طبایع کلیّه بدون آلت ادراک می شوند.<sup>۱۸</sup>

۷- موضوع فلسفه نه وجود است و نه موجود، بلکه شیء است و شیء مشترك معنوی است.<sup>۱۹</sup>

۸- اثبات وجود خداوند از مسائل فلسفی نیست بلکه غایت آن است.<sup>۲۰</sup>

ملارجبعلی نوعاً به تفردش در آرای یادشده آگاه بوده و گاه به این تفرد مباهات می کرده است. رجبعلی افزون از نیم قرن مدرس اوّل حوزه اصفهان بوده است و شاگردانش در حد پرستش او را بزرگ می داشته اند. قاضی سعید در مواضع متعددی از آثار خود، استاد را ستوده است. قاضی سعید اگرچه تا حدود زیادی در محضر فیض از حکمت متعالیه متأثر شده و این تأثیر بویژه در تعلیقات او بر اثولوجیا آشکار می شود، اما تأثیر اصلی وی از فیض در عرفان است. به علاوه در تطبیق شریعت و حکمت و طریقت نیز او به فیض و امدار است.

خواننده باشد، مورد اختلاف است. افندی در ریاض العلماء و به نقل از وی صاحب روضات الجنات و طرائق الحقائق<sup>۸</sup>، وی را شاگرد فیاض به حساب آورده اند. هانری کربن و استاد سید جلال الدین آشتیانی، قاضی سعید را متأثر از درس اشراق فیاض دانسته اند.<sup>۹</sup>

اما از آثار قاضی سعید به رغم تصریح بر شاگردیش در محضر رجبعلی و فیض. تلمذ در محضر صاحب شوارق به دست نمی آید، به علاوه ولادت قاضی تنها دو سال قبل از وفات فیض اتفاق افتاده، چگونه این طفل دو ساله به درک محضر استاد فیاض، نائل آمده است؟

قاضی سعید در فلسفه بیشتر از مولی رجبعلی متأثر است تا از فیض. مولی رجبعلی تبریزی متخلص به واحد از شاگردان حکیم میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی (م ۱۰۵۰) از حکمای نامدار عصر صفوی و مورد احترام سلاطین صفوی بوده است. وی از حکمای مشاء به حساب می آید. در محضر پرفیض او قاضی سعید قمی، و برادرش حکیم محمد حسن قمی، میرقوام الدین حکیم، ملاعباس مولوی صاحب اصول الفوائد، ملامحمد تنکابنی، میرقوام الدین رازی و محمدرفیع پیرزاده تربیت شده اند. پیرزاده تقریرات استاد خود را به نام معارف الهیه<sup>۱۰</sup> ضبط کرده است. از ملارجبعلی تبریزی رساله ای در اثبات واجب<sup>۱۱</sup> و کتابی به نام اصول آصفیه<sup>۱۲</sup> به جا مانده است. آثار رجبعلی و تقریرات شاگردانش از دروس وی، حاکی از احاطه وی بر آرای فلسفی است. اما در فلسفه صاحب آرای متفردی است که اشاره به امهات آنها بی وجه نیست:

۱- وجود در ماسوی الله مشترك معنوی، و میان واجب و ممکن مشترك لفظی است.<sup>۱۳</sup>

۲- صفات واجب الوجود عین ذات واجب نیستند. در عین اینکه زاید بر ذات نیز محسوب نمی شوند. واجب صفت ندارد و نسبت صفات کمالی به ذات ربوبی به معنای سلب طرف نقصان است. وجوب وجود و اطلاق موجود بر واجب نیز از این قاعده مستثنی نیستند.<sup>۱۴</sup>

۳- حرکت در جوهر محال است.<sup>۱۵</sup>

۴- ترکیب وجود و ماهیت ترکیبی انضمامی است. وجود زاید بر ماهیت در خارج می باشد و حمل وجود بر ماهیت نظیر حمل اعراض خارجی بر جوهر به حساب می آید.<sup>۱۶</sup>

۸. المیرزا عبدالله افندی الاصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق السید احمد الحسینی، قم ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۸۴، و قد قرأ فی اوائل امره الحکمیات فی قم علی المولی عبدالرزاق اللاهیجی؟

۹. کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۰. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۲، تهیه و مقدمه و تعلیق از سید جلال الدین آشتیانی، بخشی از المعارف الالهیه، ص ۴۴۸-۴۴۹.

۱۱. ملارجبعلی تبریزی، رساله اثبات واجب، در جلد اوّل منتخباتی از آثار حکمای ایران، ص ۲۲۰-۲۴۳.

۱۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، گزیده ای از رساله آصفیه (الاصل الاصلی) ص ۲۷۱-۲۴۴.

۱۳. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، رساله اثبات واجب، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱۴. همان، ص ۲۳۱.

۱۵. همان، ص ۲۵۴ از رساله آصفیه.

۱۶. همان، ص ۲۵۷.

۱۷. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۲، المعارف الالهیه، پیرزاده (تقریرات درس مولی رجبعلی تبریزی)، ص ۴۸۶ و ج ۱، ص ۲۵۹ از رساله آصفیه.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۶۲.

۱۹. همان، ج ۲، ص ۴۶۵.

۲۰. همان، ج ۲، ص ۴۵۲.

۵۵ از قاضی سعید دو نامه به استادش فیض کاشانی و پاسخی از فیض کاشانی منتشر شده است. قاضی سعید در این نامه ها از فیض تمنای هدایت به وادی عرفان و سلوک را کرده است. (مکاتبات فیض و قاضی سعید قمی، به کوشش مدرس طباطبایی، تهران ۱۳۵۲). ۲۵

دوم: آثاری که با طبع حجری منتشر شده است:

۱- رساله حقیقة الصلوة (مقالة التوحید). این رساله مختصر در سال ۱۰۸۴ در قم تألیف شده و در حاشیه شرح الهدایة الاثریة صدر المتألهین شیرازی به طبع رسیده است (تهران ۱۳۱۳ق) ۲۶. چکیده رساله این است که حقیقت و روح صلوة، توحید ذات و اسماء و صفات و افعال است و پس.

۲- الاربعین فی شرح الاحادیث المشکله (تألیف بین سالهای ۱۰۷۹ تا ۱۰۹۱) تصحیح عیسی علی آبادی، با مقدمه سید نصرالله تقوی، تهران ۱۳۱۵ق. این کتاب مهمترین کتاب قاضی سعید پس از شرح توحید است. جمیع نسخ به جا مانده از این کتاب ناقص و شامل یک مقدمه و بیست و شش حدیث است.

سوم: آثار مخطوط قاضی سعید که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است:

۱- الاربعینات لکشف اتوار القدسیات؛ مجموعه ای از ده یا یازده رساله که قاضی سعید قبلاً آنها را مستقلاً تصنیف کرد و سپس تصمیم به الحاق آنها در مجموعه اربعیناً گرفت. این مجموعه در ردیف آخرین اثر قاضی محسوب می شود. وی در نظر داشت در این مجموعه چهل رساله جمع آوری کند که عمرش کفاف نداد. رسائل این مجموعه عبارتند از:

۱- رساله روح الصلوة. ۲۷ تفصیل رساله حقیقة الصلوة سابق الذکر.

۲۱. کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲۲. چاپ دوم، کلید بهشت، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۲.

۲۳. انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴. این کتاب دو گونه چاپ شده است: ۱- مستقل، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران. ۲- در ضمن مجموعه متخباتی از آثار حکمای ایران، ج ۳، مشهد، ۱۳۵۵، سلسله انتشارات انجمن فلسفه.

۲۵. مجله وحید، شماره مسلسل ۱۱۷، شهریور ۱۳۵۲، ص ۶۷۸ تا ۶۶۷.

۲۶. شرح الهدایة الاثریة، ص ۳۵۷-۳۶۲.

۲۷. دکتر حبیبی، رساله اول الاربعینات را همین رساله حقیقة الصلوة شمرده، (مقدمه شرح عقاید الصدوق، ج ۱)، حال آنکه مرحوم مشکوة، رساله اول الاربعینات را رساله روح الصلوة ذکر کرده است. ر. ک: مقدمه کلید بهشت.



از قاضی سعید آثار فراوانی به جا مانده است. با توجه به اینکه ارباب تراجم شاگرد قابل توجهی برای قاضی سعید ذکر نکرده اند، ظاهراً باید وی بیشتر به تألیف عنایت کرده باشد تا به تدریس. اکثر آثار وی در شرح احادیث است. همچنین همه آثار وی به استثنای کلید بهشت و اسرار الصنایع به زبان عربی نگاشته شده است. به فارسی و عربی شعر می سروده و آثارش آکنده از آیات و روایات و کلمات عرفا، حکما، متکلمان، مفسران و محدثان است. به دست آوردن ترتیب زمانی آثار قاضی سعید کمی دشوار است، چراکه ظاهراً جمعی از این آثار را در عرض هم می نگاشته است. روح حاکم بر آثار او عرفانی و صوفی منشانه است، هر چند قالبی که برای تألیف انتخاب کرده، غالباً قالب فلسفی است. به نظر هانری کربن: «قاضی سعید از برجسته ترین نمایندگان عرفانی شیعی امامی است، او شیعی اشراقی بود و همه آثار او می بایستی مدتها پیش از این منتشر می شد». ۲۱ آثار قاضی سعید را از حیث انتشار به چهار قسم می توان تقسیم کرد: ۱- آثاری که با طبع حروفی منتشر شده است ۲- آنچه که با چاپ سنگی طبع شده ۳- آثار مخطوط ۴- آثار مفقود و نامشخص.

اول: آثاری که به طبع حروفی رسیده است:

۱- کلید بهشت، تصحیح و تعلیق سید محمد مشکوة، تهران ۱۳۵۶ق. ۲۲ این کتاب مختصر در مبدأ و معاد است و به زبان فارسی و نزدیک به فهم عامه، به دور از اصطلاحات و با رعایت جمع بین شریعت و فلسفه نگارش یافته است.

۲- اسرار العبادات، تصحیح سید محمد باقر سبزواری، تهران ۱۳۰۳. ۲۳

۳- تعلیقات علی ائولوجیا، با تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۶. ۲۴

این تعلیقات بر چهار میمر (مقاله) اول از ده میمر ائولوجیا و ناظر به تعلیقات شیخ الرئیس و متأثر از مبانی حکمت متعالیه است. به رغم مقدمه نافع مصحح، طبع تعلیقات طبعی غیر منقح از نسخه ای ناقص است و به تصحیحی مجدد نیاز دارد.

۴- شرح توحید الصدوق، جلد اول، تصحیح و تعلیق دکتر نجفقلی حبیبی، تهران ۱۳۷۳.

۲- رسالة اشارة و بشارة فی حقیقة الاختلاف الواقع فی القرآت السبع (۱۰۸۹ ق م).

۳- الفوائد الرضویه فی شرح حدیث سؤال رأس الجالوت من الامام علی بن موسی الرضا (ع) فی حقیقة الکفر و الایمان.

۴- مرآة الاسرار فی بیان ربط الحادث بالقدیم و حدوث العالم (۱۰۸۴ ق م).

۵- النضجات الالهیه و الخواطر الالهامیه (۱۰۸۴ ق م).

۶- الانوار القدسیة فی تحقیق الهیولی و الصورة (۱۰۸۵ ق م).

۷- المقصود الاسنی فی تحقیق ماهیة الحركة و وجودها (۱۰۸۸ ق م).

۸- الحدیقة الوردیة فی السوانح المعراجیه.

۹- رسالة البرهان الفاطع و النور الساطع. ترجمه رساله استادش

مولی رجعلی تبریزی از فارسی به عربی.

۱۰- الطلائع و البوارق فی تحقیق ان لكل حقیقة من الحقائق الامکانیة صورة و ان احسنها الصورة الانسانیة (البوارق الملکوتیه).

این رساله مفصل ترین رساله مجموعه اربعینات است.

۱۱- شرح حدیث الفمامة من اعجاز امیر المؤمنین (ع).

(اصفهان ۱۰۹۹)

۱۲- اسرار الصنائع فی فلسفة بعض العلوم، به فارسی

(۱۰۸۰).

۱۳- شرح حدیث البساط.

۱۴- شرح توحید الصدوق، جلد دوم، از باب سوم، تفسیر سورة

توحید تا باب ۲۶ معنی الرضا و سخطه عزوجل.

۱۵- شرح توحید الصدوق، جلد سوم، که باید ظاهرآ از باب ۲۷

یعنی معنی قوله عزوجل و نفخت فیہ من روحی آغاز شده باشد و در

سال ۱۱۰۷ از آن فارغ شده است. این اثر را آخرین اثر وی به

حساب آورده اند.

۱۶- بخشی از اشعار قاضی سعید. افزون از دو بیت در

تذکره محمد نصیر نصرت، بیست و هفت بیت در سفینه

خوشگوی هندی، نه بیت در تذکره نصرآبادی، چند بیت در

آتشکده آذر. ۲۸

چهارم: آثار مفقود و غیر مشخص.

۱- حاشیه شرح الاشارات. ریاض العلماء، تصنیف چنین

کتابی را به او نسبت می دهد. ۲۹

تألیف چنین کتابی بعید نیست، چه قاضی سعید در آثار

خود مکرراً از اشارات شیخ و شرح محقق طوسی نقل قول

کرده است.

۲- شرح توحید صدوق، جلد چهارم. شیخ آقابزرگ، آن را در

کرمانشاه دیده است و قرآینی نیز بر وجود این چهار جزء حکایت

می کند<sup>۳۰</sup>، اما مشخص نیست که آیا قاضی سعید توفیق اتمام شرح توحید صدوق را یافته است یا نه.

۳- دیوان اشعار فارسی و عربی. میرزا صائب (م ۱۰۸۱)

یک رباعی تقریظ بر دیوان قاضی نوشته بوده که بیت آخرش

این است:

هر نسخه مناسبت به دردی دارد

این نسخه هزار درد را درمانست<sup>۳۱</sup>

از دیوان قاضی سعید فعلاً اطلاعی در دست نیست و چنانکه

گذشت نزدیک به سیصد بیت از اشعار او در تذکره های

سابق الذکر نقل شده است.

۴۳

قاضی سعید در مسائل فلسفی آرای خاصی دارد که ذکر اهم

آنها بی فایده نیست:

۱- اصالت ماهیت و فرعیت وجود «شیء به اصلیت اولی

است از وجود، پس ثابت شد که از این دو اثر شیء اصل است و

وجود فرع آن و صفت آن ... باید که اصلیت ماهیت و شیء را

باشد و هرگاه ماهیت اصل باشد تقدم بر حسب رتبه نیز او را

خواهد بود نه وجود را. ۳۲

۲- نفی وجود ذهنی و علم حصولی نفس «علم نفس به

اشیاء حصولی نیست، بلکه حضوری به معنای مشهور هم

نیست، چه حضور به معنی مشهور در میان جسم و

جسمانیات می باشد و اگر مجازاً گویند که اشیاء همگی

حاضرند در نزد نفس، مراد این معنی خواهد بود که هیچ یک

از اشیاء غایب نیستند از نظر نفس عاقله ... پس حاضر بودن

اشیاء ظاهر بودن آن است مر نفس عاقله را نه حضور به معنی

مشهور، چه حضور اشیاء در نزد نفس شبیه است به حضور

معلول نزد علّت. ۳۳

۳- تجرد نفوس نباتی، حیوانی و انسانی. «چراکه خواص

۲۸. سید محمد مشکوة، مقدمه کلید بهشت، قاضی سعید قمی، ص ۱۱.

۲۹. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳۰. الطهرانی، الشیخ آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۵،

ص ۱۵۳. ذیل شرح توحید الصدوق، شماره ۵۲۲.

۳۱. مشکوة، مقدمه، کلید بهشت قاضی سعید قمی، ص ۱۱.

۳۲. قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۵۴.

۳۳. همان، ص ۱۰۹.

ذات نمی تواند بود، همچنانکه ذات غیر عین صفت نمی باشد و معقول نیست که عقلاً به این قسم مقالات مموه روی اندود کنند که هرگاه شکافته شود، بی معنی برآید کما لایحقی. ۴۲

قاضی سعید در ذیل حدیث ثانی از باب ثانی توحید صدوق، «و نظام توحید الله نفی الصفات عنه» آن را تأکیدی بر ابطال نظریه عینیت ذات و صفات به حساب آورده است. ۴۳

۱۰- علم واجب تعالی نه حصولی است مثل مشائیین و نه حضوری است به گفته اشراقی ها. «لیکن در نفس الامر هیچ کدام از این دو مذهب معقول نیست، بلکه تلاش در دانستن کنه علم واجب تعالی و استکشاف از کیفیت آن معقول نیست... پس استکشاف از علم واجب تعالی در حقیقت تلاش محال کردن است.» ۴۴ در کتاب اربعین در شرح حدیث عمران صابی نیز علم در مرتبه و موطن ذات را انکار کرده است. ۴۵

۱۱- بحث از واجب الوجود مسأله ای فلسفی نیست «حضرت واجب الوجود- تعالی شأنه- داخل در تحت هیچ علمی از علوم نیست و نمی تواند بود، حتی در علم الهی همچنانکه مشهور است داخل نمی تواند بود، چه موضوع علم الهی چنانکه مقرر شده است، مفهوم موجود به معنی مشهور است و از تقریر گذشته معلوم شد که واجب الوجود- تعالی شأنه- نه خارج است از این مفهوم، پس چون داخل در علم الهی تواند بود؟ بلی نهایت آنچه در علم الهی ثابت تواند شد و می شود اثبات اوست- تعالی شأنه.» ۴۶

۳۴. همان، ص ۱۰۶.

۳۵. همان، ص ۵۰.

۳۶. قاضی سعید، رساله الطلائع و البوارق، (مخطوط) به نقل از آشتیانی، مقدمه ائولوجیا، ص ۹.

۳۷. تعلیقات قاضی سعید قمی بر ائولوجیا، تصحیح آشتیانی، ص ۱۵۴-۱۵۶.

۳۸. قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۶۴.

۳۹. قاضی سعید قمی، شرح توحید الصدوق، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴۰. قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۶۴.

۴۱. همان، ص ۶۹.

۴۲. همان، ص ۷۱-۶۸.

۴۳. قاضی سعید قمی، شرح توحید الصدوق، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۴۴. قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۷۵.

۴۵. قاضی سعید قمی، شرح الاربعین، به نقل از آشتیانی، حاشیه ائولوجیا، ص ۱۵۸.

۴۶. قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۶۶.

صور مادی با آنها نیست و حق هم این است که آنها هم مجردند... نفس مطلقاً مادی نمی تواند بود تا چه رسد به نفس انسانی. ۳۴

۴- تسلسل را مانند متکلمین بدون شروط اجتماع در وجود و ترتب باطل می داند. «غیرمتناهی بودن سلسله اعداد مطلقاً محال است خواه مترتب باشند چنانکه در سلسله علل فاعلیه محتمل است و خواه غیر مترتب، چنانکه در نفوس انسانی متأخرین می گویند و می پندارند که این معنی حق و مذهب قدماست.» ۳۵

۵- مجرد قوه خیالی را برخلاف صدر المتألهین نفی می کند «... ولا معنی لكون القوة الخيالية العرضی بقی مع النفس کما ظنه الرئيس ولا انها تصیر مجردة کما قاله الاستاد (ای الصدر) بل الحق مابیناه...» ۳۶

۶- حرکت جوهریه را در تعلیقاتش بر ائولوجیا انکار می کند، هر چند لوازم آن را من حیث لا یشرع پذیرفته است. ۳۷

۷- قول به اشتراك معنوی وجود میان ممکنات و اشتراك لفظی وجود میان واجب و ممکن. «هر نفس الامر طبیعت موجود به معنای مشهور در میان واجب الوجود- تعالی شأنه- و ممکن الوجود مشترک نمی تواند بود، مگر به حسب لفظ تنها، چه بر حسب تحقیق، اشتراك معنوی واجب الوجود با ممکن الوجود در هیچ وصفی از اوصاف حتی در مفهوم موجود هم ممکن نیست.» ۳۸ در شرح توحید صدوق از نظریه اشتراك معنوی وجود ملاحظه است که تعجب می کند و در رد استدلال او می کوشد. ۳۹

لذا در نظریه مفهوم موجود بما هو موجود مساوی الصدق است با مفهوم ممکن... به جهت آنکه معنی موجود به این معنی چیزی است صاحب وجود... ۴۰

۸- قول به اشتراك لفظی جمیع صفات بین واجب و ممکن و قول به تنزه واجب از عوارض اوصاف موجود مطلقاً.

«اتصاف واجب الوجود به هیچ چیز ممکن و محسوس نیست، چرا که هر صفتی که هست صفت موجود به معنای مشهور است.» ۴۱

۹- نفی قول به زاید بودن صفات در ذات واجب و نفی قول به عینیت صفات و ذات واجب. «شناعت این قول بر جمیع عقلا ظاهر است، پس معلوم شد که هرگز صفت عین



تأمل در آرای فلسفی قاضی سعید، نشان می‌دهد که این نظریات بر دو بخش است:

بخشی برگرفته از استادش مولی رجبعلی تبریزی و بخشی وام گرفته از حکمت متعالیه، متّخذ از استاد دیگرش فیض. قاضی سعید در آرای خاصش که ذکرش اخیراً گذشت، در مجموع متأثر از رجبعلی است و جز مسأله‌ی زمان همه را عیناً از مبانی استادش اخذ کرده است.

دیدگاههای فلسفی قاضی سعید دو شکل اساسی دارد:

اوّل: ضعف عمومی مبانی متّخذ از مولی رجبعلی تبریزی. رجبعلی حکیمی مشائی است با تفرّد در حدود ده مسأله مبانی. از قبیل اشتراك لفظی وجود بین واجب و ممکن، نفی وجود ذهنی، نفی حرکت جوهری، نفی عینیت صفات و ذات در واجب، ترکیب انضمامی وجود و ماهیت، اصالت ماهیت در تحقق و جعل. ضعف این مبانی همگی در جای خود اثبات شده است. رجبعلی حتی در مبانی یادشده نیز نوآوری ندارد. قبل از او هر یکی از مبانی توسط متکلم یا حکیمی اتخاذ شده بود. برای مثال دوانی به نحوی قبلاً قائل به اشتراك لفظی وجود بین واجب و ممکن شده بود. در بحث صفات واجب بویژه برگرداندن صفات ثبوتیه به صفات سلبیه و نفی صفات، به معتزله نزدیک می‌شود. در اصالت ماهیت در تحقق و جعل متأثر، از میرداماد است. باری، استدلالهای رجبعلی و شاگردش قاضی سعید در بحث اصالت ماهیت از استحسانات لفظی تجاوز نمی‌کند. در نفی حرکت جوهری قدمی از آرای شیخ الرئیس فراتر ننهاده است. در بخشی از بحث وجود ذهنی اگرچه متأثر از فخر رازی است، اما قول مختار و استدلال استاد و شاگرد در ادراک حضوری حتی در محسوسات، موهون و ضعیف است.

۴۷. قاضی سعید قمی، شرح توحید الصدوق، ج ۱، ۲۰۲.

۴۸. همان، ص ۳۸۳، در ذیل این مطلب محشی مجهول (احتمالاً مهدی شاگرد شارح) نوشته است:

«هذا الكلام منه، لشيء عجاب، فوايلا له! وهل يتكلم هذا الكلام من له ادنى تمييز في المرام فاصوله الباطلة في هذا الكتاب كثيرة على ما يخفى ولا يخفى احصاؤها و صدور امثال هذه الاصول يوجب الوهن في فهمه و هدم بناه فلهاذا لم يشتهر هذا الكتاب و لم يعد [صاحبه] من العلماء ذوى الاعتبار.»

۴۹. همان، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵۰. همان، ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۷، جهت مقایسه رأی قاضی سعید در باب زمان با آرای دیگر حکیمان مسلمان رجوع کنید به رساله «زمان در فلسفه اسلامی»، به قلم نگارنده، قم، ۱۳۷۲.

۱۲- قول به خلق جمیع اشیا از عدم. «کل مصنوع یصدر من الصانعین بامرہ اذا نسب الی الله فهو مصنوع لا من شیء و اذا نسب الی تلک الواسطه فهو من شیء و هذا عجیب! و لا تعجب من ذلک، فان امر الله کله عجب! و ذلک لما قلنا انه یمتتع ان یكون للاشیاء بالنسبته الیه تقدم او تأخر او سبق او لحوق و الا لما استوی نسبه الی کل شیء بل انما ذلک بالنظر الی انفسها.»<sup>۴۷</sup>

۱۳- اطلاق واجب الوجود بر خداوند تعالی مجازی است. در ذیل حدیث ۲۵ باب دوم توحید صدوق می‌نویسد: وجوب و امکان و امتناع اعتبارات ماهیت است به نظر به وجود. اطلاق واجب بر مبدء اوّل تعالی حقیقی و بالذات نیست، بلکه اگر در خبر مروی چنین یافت شد، مجاز است نه حقیقت، زیرا خداوند ماهیت ندارد تا با وجود قیاس شود.<sup>۴۸</sup>

۱۴- زمان سه طبقه دارد: ۱- زمان فشرده و متراکم، مانند زمان کائنات مادی و مدت حرکات حسی ۲- زمان لطیف، مانند مدت حرکات روحانیات مدبر عالم جسمانی، حرکات ملائک به وحی و الهام و نصرت و انتقام، حرکات جن و ارواح ۳- زمان الطّف، همچون زمان ارواح عالیّه و انوار قیاسیه. پس هر وجودی دارای مقدار زمان خاص و مشخصی است. ساختهای سه گانه زمانی با توجه به لطافت شیوه وجودی از عالم محسوس به عالم مثال و از آنجا به عالم معنوی افزایش می‌یابد، مقدار زمانی که به یک وجود معنوی داده شده، می‌تواند در این صورت تمامی وجود را شامل شده، گذشته و آینده را در زمان حال حاضر داشته باشد.<sup>۴۹</sup>

۱۵- معنای ویژه توحید افعالی، او علاوه بر لزوم واحد بودن فاعل، فعل را نیز واحد می‌داند. او توحید افعالی قوم را توحید ذات و صفات شمرده و به تفصیل در معنای خاص توحید افعالی از دیدگاه خود در ذیل حدیث ۲۵ باب دوم توحید بحث می‌کند.<sup>۵۰</sup>

آنچه نمونه وار ذکر شد، بخشی از آرای خاص قاضی سعید است که بی شک استقصای تفصیلی این آرا تنها پس از انتشار مجموعه آثار وی ممکن خواهد بود.

است. در موارد متعددی از تعلیقات وی بر ائولوگیا، مطالب اسفار بدون ذکر مأخذ، علیه صدر المتألهین به کار گرفته شده است. ۵۳

به واسطه این دو مشکل یعنی ناهماهنگی درونی فلسفه مدرسه ملا رجبعلی و عدم انسجام آن نظام فلسفی یا حکمت متعالیه برگرفته از فیض، سیمای فلسفی قاضی سعید در آینه آثار مطبوع وی سیمایی ضعیف و خام جلوه می کند. قاضی سعید نتوانسته این دو مبنا را با هم سازگار کند و نظام واحد فلسفی از آن میان اتخاذ نکرده است.

به طور خلاصه سیمای فلسفی قاضی سعید را می توان در این نکات خلاصه کرد:

۱- از قاضی سعید هیچ رأی ابتکاری خاص فلسفی به جا نمانده است.

۲- در متفردات فلسفی پیرو استادش رجبعلی تبریزی است. این متفردات نوعاً ضعیف و محجور است.

۳- در تقریر مبانی حکمت متعالیه راسخ نیست و در مناقشه بر آن برخورد قوی نکرده است.

۴- فلسفه او از نوعی تناقض و عدم انسجام درونی رنجور است.

لذا بی بهای نیست که او را حکیمی در ردیف حکمای طراز چهارم اسلامی به حساب آوریم (نه صاحب مکتب است نه صاحب رأی ابتکاری نه صاحب تقریر قوی و منسجم).

نقطه قوت قاضی سعید قطعاً در فلسفه او نیست، بلکه در

شاهد ضعف اقوال متفرد رجبعلی در فلسفه این است که این مبانی از حوزه درسی شاگردان طبقه اول مولی رجبعلی تجاوز نکرده، در سینه همانها دفن شده است. نظریات رجبعلی نه در مجامع علمی پذیرفته شد و نه در کتب فلسفی پس از ایشان نفیاً و اثباتاً به بحث گذاشته شد.

به علاوه مبانی یادشده لوازمی دارد که نه استاد رجبعلی و نه شاگردانش از جمله قاضی سعید به آنها التفات نکرده اند. لذا فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش حکمت متعالیه، مدرسه ملا رجبعلی از نوعی ناهماهنگی درونی و عدم انتظام رنج می برد. ۵۱ و دقیقاً همان متفرداتش نسبت به حکمت مشاء، نقاط ضعف و عدم انسجام با دیگر مبانی فلسفی آنها محسوب می شود. از آنجا که قاضی سعید در مبانی فلسفی کلاً متأثر از استادش مولی رجبعلی است، تمامی اشکالات استاد بر شاگرد نیز وارد است.

دوم: آثار قاضی سعید علاوه بر ضعف عمومی مدرسه فلسفی مولی رجبعلی مشکل دیگری نیز دچار است و آن ناهماهنگی فلسفه ملا رجبعلی و حکمت متعالیه است. قاضی سعید بی توجه به لوازم مبانی دو استاد خود کوشیده است تا نسبت به هر دو استاد وفادار بماند. ۵۲ اما در موارد اختلاف دو استاد از قبیل اصالت ماهیت یا وجود، حرکت جوهری، وجود ذهنی، اشتراك لفظی یا معنوی وجود، ترکیب اتحادی یا انضمامی وجود و ماهیت و بحث صفات واجب مبانی ملا رجبعلی را پذیرفته، غافل از اینکه پذیرش این مبانی لوازمی دارد که با دیگر مبانی حکمت متعالیه از اساس ناسازگار است. لذا آثار قاضی سعید علاوه بر اشکالات وارده به مدرسه ملا رجبعلی، به تناقض درونی دچار است. از یک سو حرکت جوهری را ابطال کرده، از سوی دیگر به اتحاد نفس با صور عقلی، ارباب انواع و تکامل نفوس رای داده است. جالب اینکه در غالب این موارد با استفاده از کلمات صدر المتألهین بدون اینکه ذکری از وی کند به مناقشه در دیگر آرای صدرا پرداخته است. یا به رغم استفاده فراوان از حکمت متعالیه در بحث از علم واجب، علم حضوری واجب را انکار می کند. یا اینکه با پذیرش مبانی صدرا بی تجربه قوه خیالی را انکار می کند. اشکالات قاضی سعید به حکمت متعالیه غالباً سطحی و نشان از عدم رسوخ مبانی متعالیه در اندیشه وی دارد. او در این اشکالات از افق دید استاد خود مولی رجبعلی فراتر نرفته

۵۱. رجوع کنید به تفهیمهای استاد سید جلال الدین آشتیانی در تعلیقه بر آثار ملا رجبعلی تبریزی در جلد اول منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ص ۲۱۸-۲۷۱.

۵۲. استاد آشتیانی در جلد سوم منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ص ۱۷ و ۱۸ نوشته است:

«قاضی سعید در مشرب فلسفه و عرفان تابع استاد عظیم خود علامه کاشانی ملامحسن فیض و او تلمیذ محض و مقرر بدون چون و چرای ملا صدرا است. چون قاضی از حوزه تدریس ملا عبدالرزاق و معاصر وی ملا رجبعلی بهره برده است گاهی بر مبانی ملا صدرا مناقشه می نماید که بر طبق مبانی و قواعدی (که از باب تأثر زیاد از استاد خود فیض) پذیرفته است و در واقع همه مطالب او بر آن قواعد استوار است، این اشکالات بی اصل و غیر وارد است. از این جهت بعضی از اساتید چندان توجهی به او ننموده اند و او را غیر متضلع در حکمت نظری دانسته اند. به عقیده حقیر حق آن است که او در حکمت متعالیه تضلع و تخصص تام نظیر آخوند نوری و تلامیذ او ندارد؛ ولی از باب اینکه مدتها به درس فیض حاضر نشده است، قهراً کثیری از مبانی این حکمت را پذیرفته است... قاضی سعید در تصوف بیشتر از فلسفه نظری خبرگی دارد...»

۵۳. ر. ک. مقدمه استاد آشتیانی بر تعلیقه قاضی سعید بر ائولوگیا، ص ۵.



سعید با شرح فیض و صدر المتألهین در روایات مشابه بحثی شایسته است و مجالی دیگر می طلبد.



اخیراً جلد اول شرح توحید صدوق قاضی سعید قمی به عنوان اولین جلد از مجموعه مصنفات قاضی سعید قمی با تصحیح و تعلیق دکتر نجفقلی حبیبی منتشر شده است. ظاهراً دغدغه اصلی مصحح به شهادت آثار تصحیح شده<sup>۵۵</sup> و مقالات معدودی که از وی منتشر شده،<sup>۵۶</sup> تطبیق شریعت و حکمت و عرفان است. تصحیح آثار فلسفی و عرفانی بی شک خدمتی به فرهنگ معاصر است، هر چند در تصحیحات منتشره در نیم قرن اخیر غالباً اولویتها رعایت نشده و بخشی از مهمترین متون فلسفی عرفانی دست اول، هنوز اسیر طبع حجزری یا گنجینه مخطوطات کتابخانه هاست، از قبیل تعلیقات صدر المتألهین بر شفا و حکمة الاشراف، شرح حکمة الاشراف قطب الدین

۵۴. کرین، هانری، خانه کعبه و راز معنوی آن از نظر قاضی سعید قمی (۱۱۰۳/۱۶۹۱) مجله چندزبانه ارانوس که در زوریخ سویس چاپ شده است:

Eranos - Jahrbuch - XXXIV/1965

بخش اول این مقاله توسط بزرگ نادرزاد از فرانسوی به فارسی ترجمه شده و در مجله معارف اسلامی سازمان اوقاف چاپ شده است. ص ۴۶-۳۴.

۵۵. سه رساله از شیخ اشراق شهاب الدین یحیی سهروردی، (الاولاح العمادیه، حکمة التصوف، اللمحات) تصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی، تهران، ۱۳۹۷ق، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.

شرح دعاء الصباح، حکیم سبزواری، تحقیق دکتر نجفقلی حبیبی، تهران، ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۱۷۷. شرح الاسماء (شرح دعاء الجوشن الکبیر)، حکیم سبزواری، تحقیق دکتر نجفقلی حبیبی، تهران، ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۱۷۸.

تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی، صدرالدین قونوی، تصحیح نجفقلی حبیبی، نشریه معارف، دوره دوم، شماره ۱، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۲۸-۶۹.

الرسالة الاولى فی المقدمات و تقاسیم العلوم من رسائل الشجرة الالهیه فی علوم الحقائق الربانیة - شمس الدین محمد شهرزوری - تصحیح و تقدیم نجفقلی حبیبی؛ مقالات و بررسیها، دفتر ۵۸-۵۷، ۱۳۷۳-۷۴، ص ۱۶۵-۱۳۱.

۵۶. مقاله «آیات قرآنی در توجیه آراء فلسفی از نظر سهروردی» مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، تهران ۱۳۵۵، جلد سوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ص ۷۵-۵۰.

مقاله منابع نوافلاطونی در فلسفه شهاب الدین سهروردی، مجموعه سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، انتشارات دانشگاه آذربایجان، ۱۳۵۷ جلد دوم، ص ۹۶-۱۰۶.

مقاله مقایسه سه منظومه فلسفی (غرر الفوائد، فیض الباری و تحفه الحکیم) کنگره حکیم سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۱۳-۱ مقاله برخوردار ابن جوزی با احیاء العلوم غزالی (کنگره امام محمد غزالی) ۱۳۷۳.

دو مورد دیگر اندیشه وی است:

اول: ترکیب عرفان و شریعت و حکمت.

دوم: روش عرفانی.

بررسی و نقد مبانی قاضی سعید در دو مورد فوق مجالی دیگر می طلبد. هر چند در این دو مورد مقام علمی قاضی سعید بی شک فراتر از مقام فلسفی وی و فروتر از استادش فیض است و به لحاظ عرفانی نیز جز نقل آرای ابن عربی و تبیین آنها از وی مطلب دیگری دیده نمی شود.



قاضی سعید قمی در جلد اول شرح توحید صدوق تنها به شرح باب اول و دوم توحید صدوق توفیق یافته است. پس از مقدمه کوتاهی، در باب اول یعنی «فی ثواب الموحدین و العارفين» ۳۵ حدیث را مختصراً شرح کرده است. وی در باب دوم، به طور مبسوط به تبیین مفاد احادیث پرداخته، در این باب یعنی باب توحید و تشبیه ۳۶ حدیث مفصلاً مورد بحث قرار گرفته. مفصلترین شرح مربوط به احادیث سه گانه در خطب امیر المؤمنین (ع) و نیز حدیث ۲۵ یعنی حدیث «الحمد لله الذي لا من شيء كان» اختصاص یافته در پایان آخرین حدیث کتاب یعنی حدیث عبدالعظیم حسنی، قاضی سعید، سه مبحث را مستقلاً و مبسوطاً مورد بحث قرار داده است:

بحث اول در ضرورت نبوت، حجت و امام. بحث دوم در معراج و قبر و قیامت که خلاصه ای از رساله معراجیه وی است. بحث سوم که مفصلترین بحث مستقل کتاب است، اسرار الفرائض نام دارد و نزدیک یک چهارم حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. اسرار الفرائض که تلخیص از کتاب اسرار العبادات وی است از دلکش ترین مباحث کتاب است و تبهر خاص قاضی سعید در مباحث عرفانی را نشان می دهد و در آن از فتوحات محیی الدین بسیار سود جست و با ابواب مشابه محجة البیضاء قابل مقایسه است. بخشی از آرای قاضی سعید در راز معنوی خانه کعبه به شدت نظر هانری کرین را به خود جلب کرده در تحلیل و توصیف آن در تطبیق با عرفان غربی قلم زده است.<sup>۵۴</sup>

نیمی از حجم کتاب در شرح ۷۱ روایت توحید صدوق است و نیمه دیگر در مباحث مستقل عرفانی. مقایسه شرح قاضی

۴- مصحح محترم در یافتن مصادر اقوال فراوانی که شارح به نقل آنها مبادرت کرده، زحمت فراوانی متحمل شده است. نشانی آیات، روایات، اشعار، اقوال برگرفته از اعلام و کتب مشخص، اقوال برگرفته از عناوینی از قبیل بعضی العرفاء، بعضی اهل المعرفة، قیل و مانند آنها، ارجاعات شارح به مطالب آینده یا گذشته، در پاورقی به اسلوب علمی ارائه شده و از امتیازات این چاپ به شمار می آید. گاهی بعضی لغات دشوار متن نیز توضیح داده شده است. با توجه به تلخیص اقوال منقول از جانب شارح و عدم ذکر گوینده یا کتاب به طور صریح، یافتن مصادر اصلی کاری ساده نبوده است. اما با وجود زحمت فراوان مصحح، موارد متعددی از متن بدون ذکر مصادر اصلی اقوال، رها شده است؛ برای نمونه:

- ۱- روایات منقول از امیرالمؤمنین (ع) در صفحات ۱۷۴ و ۵۴۱ استخراج نشده است.
  - ۲- قول فارابی در صفحه ۱۳۱.
  - ۳- قول شیخ الرئیس منقول از شفا صفحه ۲۰۵.
  - ۴- قول منقول از اخوان الصفا صفحه ۵۴۰.
  - ۵- قول افلاطون در صفحات ۱۳۱ و ۵۷۲.
  - ۶- قول ارسطو در صفحه ۱۳۱.
  - ۷- قول شیخ یونانی در صفحه ۱۳۱.
  - ۸- شعر عربی صفحات ۱۷۳ و ۱۷۴.
  - ۹- قول بعضی العرفاء صفحه ۱۷۴ و بعضی ارباب المعرفة در صفحه ۱۹۶ و ۲۰۱.
  - ۱۰- قول منقول از حکمت متعالیه در صفحه ۸۲.
  - ۱۱- اقوال منقول از قاطبة الحكماء و طائفة من العرفاء و جمهور حکماء الهند در صفحه ۵۶۸ از مصادر اصلی.
- ۵- مصحح محترم کتاب در مقدمه کتاب، در ذکر اساتید قاضی سعید، به حق ملا عبدالرزاق لاهیجی را به عنوان استاد قاضی سعید به رسمیت نشناخته است. ۵۹ اما در حاشیه کتاب در ذیل حاشیه مهدی که به شارح اعتراض کرده، آورده است:

۵۷. از جمله کتبی که چاپ آنها بایسته است، دو بخش اول و دوم کتاب اللمحات سهوردی است، یعنی العلم الاوّل فی المنطق و العلم الثانی فی الطبیبی. دکتر حبیبی بخش سوم آن را در کتاب سه رساله از شیخ اشراق منتشر کرده است (۱۳۵۶) و دو بخش دیگر را هنوز به طالبان متون اصیل فلسفی عرضه نکرده اند.

۵۸. مشکوة، سید محمد، مقدمه کلید بهشت، قاضی سعید قمی، ص ۱۴.
۵۹. مقدمه دکتر حبیبی بر جلد اول شرح توحید الصدوق، ص ۷.

شیرازی، اکثر آثار فلسفی میرداماد و تقریباً تمامی آثار فلسفی مکتب عقلی شیراز. ۵۷

درباره این تصحیح نکات ذیل یادکردنی است:

۱- مصحح محترم از میان نسخ متعدد جلد اول شرح توحید صدوق، سه نسخه را برگزیده، به روش گزینش موردی مبادرت به تصحیح متن کرده است و آنچه ناصواب دانسته، به عنوان نسخه بدل در حاشیه آورده است. در مقدمه آمده است که پس از اتمام طبع کتاب نسخه نفیسی با تعلیقات حکیم مولی علی نوری به دست وی رسیده که متأسفانه نه به مشخصات نسخه اخیر و دلیل نفاست آن اشاره کرده و نه به مشخصات آن نسخ متعدد و دلیل گزینش این سه نسخه برگزیده از میان آنها. با توجه به اینکه از جلد دوم شرح توحید صدوق قاضی سعید، نسخه ای به خط شارح در دست است ۵۸ و با عنایت به اینکه از وفات شارح کمتر از ۳۱۰ سال گذشته است، اینکه آیا نسخه خطی مصنف از جلد اول باقی مانده است یا نه، قابل تحقیق است. هر چند دو نسخه از سه نسخه مورد اعتماد مصحح از نسخ مورد اجازه شارح بوده است. بنابراین مناسب بود عکس صفحات ابتدا و انتهای نسخ همراه با اجازه نامه های شارح در اول کتاب آورده می شد. ارزش اجازه نامه نسخه اول بویژه از آن روست که چه بسا ممکن است کمکی کند به شناخت محشی مهدی نام کتاب که غالباً گستاخانه بر قاضی سعید تاخته است.

۲- بر متن مصحح کتاب چهار نوع حاشیه مشاهده می شود:

- ۱- حواشی مختصر و معدود شارح که با علامت «منه» مشخص است.
- ۲- حواشی یکی از شاگردان شارح به نام مهدی، دارای اجازه روایی از شارح و غالباً در نقض آرای خاص شارح.
- ۳- حواشی مختصر حکیم مولی علی نوری بر صد صفحه اول کتاب که مجموعاً در دوازده صفحه در انتهای کتاب آمده است.
- ۴- نسخه بدلها و تعلیقه های مصحح کتاب که مصروف نشانی مصادر به کار رفته در متن است.

۳- آیات و روایات با اعراب کامل و حروف مشخص درج شده اند، هکذا اعلام و اسامی کتب با حروفی متمایز از متن مشخص شده اند و برای مطالب کتاب عناوینی از جانب مصحح برگزار شده اند. متن با قواعد جدید کتابت تزئین شده و نسبتاً کم غلط است.

الصدوق به «رسالة الحديقة الوردية في السوانح المعراجيه» از خود او.

۱- کتاب فاقد مقدمه تحلیلی مطالب است. اگر چه مصحح محترم به واسطه عدم انتشار آثار قاضی سعید از این باب عذر خواسته و این مهم را تا انتشار کامل مجموعه مصنفات قاضی سعید به تأخیر انداخته، اما ظاهراً تحلیل آرای شارح بر مبنای مطالب همین جلد نیز میسر بود و «المیسور لایسقط بالمعسور».

مصحح فاضل شرح توحید الصدوق، در دو تصحیح دیگرش شرح دعاء الصباح و شرح دعای جوشن کبیر حکیم سبزواری نیز از ارائه مقدمه تحلیلی خودداری کرده است. شیوه‌ای که او در مقدمه بر رساله شیخ الاشراف پیش گرفته بود، می‌بایست در سه تصحیح بعدی وی نیز به کار گرفته می‌شد. امیدواریم در مقدمه جلد دوم مجموعه مصنفات این نقیصه مهم جبران گردد. ۶۲ ارزش نگارش مقدمه تحلیلی قطعاً کمتر از تصحیح متن نیست و انتشار متون مصحح بدون مقدمه تحلیلی مطالب از مصححین عادی پذیرفته نیست چه رسد به اساتید محترم که می‌بایست کار ایشان سرمشق دیگران واقع گردد.

امید آنکه با رفع نواقص جزئی یادشده، بزودی شاهد انتشار کامل مجموعه مصنفات قاضی سعید قمی باشیم. سعی مصحح فاضل در احیای روشمند آثار ارزشمند فلسفی و عرفانی مشکور باد.



«اقول: فی هذا الکلام تعریض للشارح حیث قرء عند مولی محسن فیض الکاشانی و عبدالرزاق اللاهیجی و هما من تلامذة صدرالذین الشیرازی و هو محیی مراسم الحکمة الحقّه فکیف طعن باستاذ استاذہ؟» ۶۰

ظاهراً نام عبدالرزاق لاهیجی در حاشیه فوق می‌باید حذف شود.

۶- از مزایای کتاب، هشت فهرست فنی آن است. فهرست آیات، روایات، احادیث، امکنه، اعلام، کتب، مصادر کتب، موضوعات کتاب و از همه مهمتر فهرست مفردات فنی و افکار رئیسه که در استفاده از مضامین مختلف کتاب بسیار کارساز است.

۷- این کتاب نخستین جلد از مجموعه مصنفات قاضی سعید قمی است. بی‌شک مجلدات دوم و سوم شرح توحید مجلدات بعدی این مجموعه خواهد بود. ظاهراً علت انتخاب شرح توحید به عنوان اولین جلد از مجموعه مصنفات، اهمیت وافر این کتاب در بین آثار قاضی سعید است. شرح توحید مهمترین و مفصلترین و احتمالاً مجلدات اخیر آن آخرین آثار وی به شمار می‌آید. امید است که به همت مصحح محترم بزودی شاهد انتشار دیگر مجلدات مجموعه مصنفات قاضی سعید قمی باشیم.

۸- شروح توحید صدوق عبارتند از: انس الوحید فی شرح التوحید، از محدث جزائری، سید نعمت‌الله (م ۱۱۱۲) ۲- شرح امیرعلی نایب‌الصداره قم ۳- شرح فارسی مولی محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری (م ۱۰۹۰) ۶۱ که هیچ یک تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است. بی‌شک شرح توحید قاضی سعید قمی برترین شروح صدوق به شمار می‌آید و احیای آن در حکم احیای یکی از آثار عرفانی روایی سلف صالح به حساب می‌آید.

۹- مناسب بود موارد اقتباس قاضی سعید از مصنفات فیض کاشانی در وافی، حق‌البیقین، محجة البیضاء، اصول المعارف و مانند آن مشخص شود و در احادیث مشابه شرح قاضی سعید با شرح اصول کافی صدرالمتألهین مقایسه گردد و در آرای متفرد فلسفی به آثار ملا رجبعلی استناد گردد.

چنین ارجاعاتی که امیدواریم در دیگر مجلدات مجموعه مصنفات شاهد آن باشیم، کارآیی متن را افزون می‌کند. ضمناً مقایسه موارد مشابه از آثار قاضی سعید با یکدیگر بسیار مفید خواهد بود. برای مثال ارجاع بحث اسرار الفرائض شرح توحید الصدوق به کتاب اسرار العبادات همو که پیشتر به چاپ رسیده است، یا ارجاع بحث معراج شرح توحید

۶۰. همان، ص ۱۱۸.

۶۱. الطهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۵۴.

۶۲. برای نمونه: مقدمه فرانسوی کرین بر مجموعه مصنفات شیخ اشراق می‌باید سرمشق مصححین ایرانی قرار گیرد. نیز مقدمه‌های تحلیلی استاد آشتیانی بر تصحیحات متون، فارغ از بعضی تکرارها و تاریخ‌نگاریهای طولانی، حاوی نکات بدیع فلسفی است.